

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین

۱۳۰۲/۱۰/۱۸

۱۳۰۲/۱۰/۱۸

دانشگاه  
شهید بهشتی

نقد و بررسی جهانی شدن از منظر مارکسیسم ارتدوکس و اسلام

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

توسط:

محمد گلستان

استاد راهنما:

دکتر ملک یحیی صلاحی

شهریور ماه ۱۳۸۷

۱۰۶۳۵۱

اطلاعات درج شده  
توسط مرکز

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۵

عنوان: نقد و بررسی جهانی شدن از منظر مارکسیسم ارتدوکس و اسلام

دانشجو: محمد گلستان

استاد راهنما: دکتر ملک یحیی صلاحی

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

تاریخ ارائه: مرداد ماه ۱۳۸۷

#### چکیده:

این پژوهش در پی آن است که ارتباط بین افکار و اندیشه های مارکس را جدا از مارکسیستهای پس از او با پدیده جهانی شدن که در واقع آن را نه به صورت پروژه ای از پیش تعیین شده بلکه به عنوان فرآیندی اجتناب ناپذیر در روند حرکتی نظام سرمایه داری در نظر می گیرد، نشان دهد و نیز به این نکته بپردازد که اگرچه اسلام با توجه به آموزه هایی چون مهدویت به نوعی جهان وطنی باور دارد اما تفاوت های اساسی میان

اندیشه اسلامی و جهانی شدن به معنای امروزی آن وجود دارد.

۱ - ۱۰ / ۱۳۸۷

کلمات کلیدی: بحران و جهانی شدن - مکان، فضا و جهانی شدن - پرولتاریا و جهانی

شدن - از خودبیگانگی و جهانی شدن - جهانی شدن و مهدویت - جهان وطنی اسلامی

## برگ تائیدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: نقد و بررسی جهانی شدن از منظر مارکسیسم ارتدوکس و اسلام

نام دانشجو: محمد گلستان

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه مورخه ۱۳۸۷/۵/۲۹ با نمره ۱۹ و درجه ۴۴ مورد تایید

اعضای کمیته پایان نامه متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

استاد راهنما

دکتر ملک یحیی صلاحی

امضاء

استاد مشاور

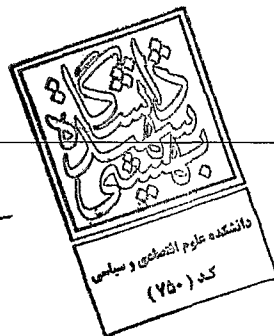
دکتر منصور میر احمدی

امضاء

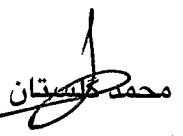
استاد ناظر

دکتر محمدرضا تاجیک

امضاء



مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب محمد گلستان در دانشکده علوم اقتصادی سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی ۲۴/۴/۱۳۸۶ تا ۲۹/۵/۱۳۸۷ به انجام رسیده است. به استثناء کمک های اساتید محترم راهنما، مشاور و ناظر محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن قبلاً برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه ها ارائه نشده است.

  
محمد گلستان  
شهریور ۱۳۸۷

## قدردانی و تشکر

نگارش و تدوین این مجموعه عملی بود که بی شک بدون مساعدت، دلگرمی و تشویق دیگران میسر نمی گردید. بر خود لازم می دانم که از برخی از این عزیزان قدردانی کنم:

جناب آقای دکتر ملک یحیی صلاحی، استاد راهنما، که در طول نگارش این مجموعه با سخت گیریها و دقت بجایشان، سکاندار شایسته ای در هدایت این پایان نامه بودند و در جمع آوری منابع و مآخذ مورد نیاز از هیچ کمکی فروگذار نمودند.

جناب آقای دکتر منصور میراحمدی، استاد مشاور، که علاوه بر دوره نگارش پایان نامه در طول دوران تحصیل نیز نکات فراوانی از ایشان آموختم و از نهایت بزرگواری و متانتشان همواره برخوردار گشتم.

جناب آقای محمدرضا تاجیک، استاد ناظر، که از مرحله تنظیم پیش طرح تا روز دفاعیه از راهنمائیها و نکته سنجی هایشان بهره فراوان بردم و همواره از نظرات کارشناسانه شان بهره جستم.

جناب آقای حسین علی پور کاظمی، معاون محترم آموزشی، که تنها راهگشای دانشجویان در تنگناها و حامی شان در مشکلات بوده اند.

سرکار خانم مهین مرنندی، منشی محترم گروه علوم سیاسی که دلسوزی ها و زحمات بی شائبه شان مثال زدنی است.

قدردانی نهایی اختصاص دارد به تمام دوستانی که مرا در این راه یاری کردند. بی شک بدون همراهی این عزیزان، تدوین این مجموعه بسیار مشکل می نمود.

## فهرست

صفحه	عنوان	ردیف
	نقد و بررسی جهانی شدن از منظر مارکسیسم ارتدوکس و اسلام	۱
۲	..... طرح مساله	-
۷	..... سابقه ی تحقیق	-
۷	..... سوالهای تحقیق	-
۸	..... فرضیه ها	-
۸	..... متغیرهای تحقیق	-
	<b>فصل اول - جهانی شدن</b>	<b>۲</b>
۱۱	..... تعاریف و نظریات	-
۳۰	..... موانع و مخالفت ها	-
	<b>فصل دوم - اصول و مبانی مارکسیسم ارتدوکس</b>	<b>۳</b>
۵۴	..... مبانی فلسفی - جامعه شناسی مارکسیسم	-
۶۹	..... فلسفه ی عمل مارکس	-
۸۳	..... نظریه ی بیگانگی مارکس	-
	<b>فصل سوم - جهانی شدن و اسلام</b>	<b>۴</b>
۹۳	..... جهانی شدن اسلامی و مهدویت	-
۱۰۰	..... تنوع فرهنگی جهان اسلام و چالشهای موجود در عصر جهانی شدن	-
۱۱۰	..... ویژگی ها و معیارهای جهانی شدن اسلامی	-
۱۱۴	..... ویژگی های حکومت جهانی اسلام	-
	<b>فصل چهارم - مارکس و جهانی شدن</b>	<b>۵</b>
۱۳۶	..... سرمایه ، بحران و جهانی شدن	-
۱۳۹	..... مانیفست ، بعد مکانی و جهانی شدن	-
۱۴۴	..... پرولتاریا و جهانی شدن	-
۱۴۸	..... بیگانگی کار و جهانی شدن	-
۱۵۵	..... نتیجه گیری	۶
۱۶۳	..... منابع	۷

# طرح مسئله

سابقه ی تحقیق

سئوالهای تحقیق

فرضیه ها

متغیرهای تحقیق

اهداف تحقیق

روش تحقیق

سازماندهی تحقیق



## طرح مسئله:

ما در زمانی زندگی می‌کنیم که سرمایه‌داری حالت بارزتری به خود گرفته و بیشتر از هر وقت دیگر خود را به عنوان یک نیروی بالقوه در جهان سیاست نمایان می‌سازد. پدیده‌ی جهانی شدن<sup>۱</sup> بعنوان گسترش بازار در هر گوشه‌ای از جهان به صورت فرآیندی در آمده است که دارای هیچ مرکزیت آشکاری نبوده و حاوی هیچ ساختار مشخصی در قدرت سیاسی نمی‌باشد. همانگونه که در نشریه‌ی نیویورک تایمز<sup>۲</sup> پدیده‌ی جهانی شدن به شکل یک ماهیت سیال سیستماتیک بشدت سازماندهی شده‌ای در آمده است که کلیه جوامع جهان را درنوردیده است ولی با کمال تعجب دارای هیچ گونه ساختار مشخصی در جایگاه قدرت نمی‌باشد. بانک جهانی در گزارش خویش در سال ۱۹۹۶ با توجه به مانیفست<sup>۳</sup> کمونیستی نوشته کارل مارکس<sup>۴</sup> و انگلس<sup>۵</sup> اعلام نمود که انتقال از اقتصاد برنامه‌ریزی شده<sup>۶</sup> به اقتصاد بازار و تمامیت پدیده جهانی شدن نئولیبرال<sup>۷</sup> فرآیندی اجتناب‌ناپذیر است بدون آنکه بتوان نیروی مشخصی را در پس آن مشاهده نمود. از دیدگاه توماس فریدمان<sup>۸</sup>، جهانی شدن یک سیستم اقتصادی - تکنولوژیکی مبتنی بر فناوری رایانه‌ای است که امروز سرمایه‌گذاران مالی و شرکتهای چند ملیتی جهان بدون وابستگی به هر دولت یا ساختار قدرت، هدایت آن را به عهده گرفته‌اند. لذا امروزه مفهوم هژمونی بازار آزاد جهانی بدون ارتباط با دولت یا مراکز قدرت خاص که در گذشته به عنوان تنها ابزارهای قابل مشاهده در بازار مورد توجه قرار داشتند، مطرح است و درحال حاضر مفهوم سرمایه‌داری مترادف با مفهوم جهانی شدن شده است. ابهام ایدئولوژیکی که به تمامی جنبه‌های جهانی شدن سرایت نموده است، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگر در حال گسترش بوده و بسیاری از صاحب‌نظران علت این امر را به وجود تناقضات گوناگون در تعاریف سرمایه‌داری مرتبط می‌دانند. تناقضاتی که هرگز بر طرف نشده و امروزه حالت جهانشمول و مخربی به خود گرفته‌اند. برای آنهایی که در رفع ابهامات سایه افکننده به مفهوم جهانی شدن می‌کوشند و خواستار شناسایی نیروهای سیاسی و

<sup>1</sup> - Globalization

<sup>2</sup> - New York Times

<sup>3</sup> -manifesto

<sup>4</sup> - Karl Marx

<sup>5</sup> - Engels

<sup>6</sup> - planned Economy

<sup>7</sup> - Neoliberal Globalization

<sup>8</sup> - Thomas Friedman

اقتصادی اصلی در جهان امروز هستند آنچه که بیشتر از همه مورد نیاز است ، رسیدن به یک درک مشترک در رابطه با مفهوم سرمایه داری می باشد که می تواند آنها را به درک واقعی مفهوم جهانی شدن برساند . در ایدئولوژی مارکسیسم در قرن بیستم ، تحلیل فوق همراه با تئوری سرمایه داری انحصاری<sup>۱</sup> مطرح گردید . اصطلاح سرمایه داری انحصاری به صورت گسترده ای در اقتصاد مارکسیستی<sup>۲</sup> برای تعریف آن مرحله از سرمایه داری که توسط شرکتهای بزرگ ایجاد گردید مورد استفاده قرار گرفت . این مرحله از توسعه سرمایه داری در آخرین ربع قرن نوزدهم آغاز شده و در زمان جنگ دوم جهانی به بلوغ رسید . بدون شک جهانی شدن اصطلاحی است که برای تعریف تغییرات گسترده در روند اقتصادی و اجتماعی جهان مطرح شده است . این اصطلاح از سوی افراد مختلف ، برای منظورهایی مختلف و در جاهای مختلف مورد استفاده قرار می گیرد . بسیاری از صاحبانظران بر این عقیده اند که جهانی شدن نظم نوینی را در جهان کنونی ارایه داده است و دارای ساختار قدرت و سازمانهای خاص خود است که جایگزین ساختارهای قبلی شده است . پیدایش لغت جهانی شدن به سال ۱۹۶۰ بر می گردد و در دهه ۱۹۸۰ مفاهیم تخصصی آن در لغت نامه های اقتصادی و جامعه شناسی ارایه شد ، رونالد روبرتسون<sup>۳</sup> اولین شخصی بود که در سال ۱۹۸۵ از این لغت مشخصات و فرمول بندی خاصی را ارایه داد . او اعلام نمود که منظور از جهانی شدن فشرده شدن جهان و تشدید خود آگاه جهان به طور کلی است که نشانگر ارتباط فشرده ی جهانی در ملتها و خود آگاه آنهاست .

از بین تئوریسین های کلاسیک جهان مارکس بیشتر از بقیه تئوری جهانی شدن را تشریح نموده و اعلام کرده است که جهانی شدن سبب افزایش شدید قدرت طبقه سرمایه دار شده و علت آن این است که بازارهای جدیدی را بروی سرمایه داران گشوده است در واقع کشف امریکا و برقراری راه های دریایی به آسیا سبب ایجاد یک بازار جهانی برای صنایع مدرن شده بود و در این مرحله بورژوازی بسرعت از این فرصت استفاده نمود . از دیدگاه مارکس بورژوازی جهان را از دیدگاه خودش می نگرد .

مارکسیستها تأکید می نمایند که سرمایه داری همواره به عنوان یک سیستم جهانی بوده است . آنها معتقدند که در اقتصاد سیاسی جهانی از لحاظ ماهوی تغییر بنیانی حاصل نشده است و دینامیسم سرمایه داری تغییری نکرده است . از دیدگاه فریدمن ، جهانی شدن به عنوان یک سیستم اقتصادی و تکنولوژیکی است که مبتنی بر قطعات الکترونیکی میکرو چیپ ها است و فرمانروایی خود را توسط سرمایه داران و شرکتهای چند ملیتی با ابزارهای

<sup>۱</sup> - monopoly Capitalism

<sup>۲</sup> - Marxian Economics

<sup>۳</sup> - Robertson

الکترونیکی اعمال می کند. بر اساس این دیدگاه، جهانی شدن به عنوان پایان جهان است که در آن همه کشورها و اقتصادها از طریق بازار سرمایه داری با هم مرتبط می شوند و بازار و دموکراسی نهایتاً برای پایان دادن به درگیری ها عمل خواهند نمود.

تئوری های مارکسیستی سنتی عموماً بر مفهوم بارز سرمایه<sup>۱</sup> تأکید می نمایند و بر قدرت سرمایه به عنوان عامل شکل دهنده ی اصلی مناسبات اقتصادی و اجتماعی در جهان متمرکز می شوند؛ در صورتیکه تعاریف مرسوم جهانی شدن را به عنوان یک فرآیند اجتناب ناپذیر که به علت ماهیت اقتصادی یا دینامیسم سرمایه رخ می دهد بپذیریم، پدیده جهانی شدن<sup>۲</sup> با این تجزیه و تحلیل مطابقت خواهد یافت. در حالیکه مارکسیسم سنتی بر نیروی سرمایه تأکید می نماید، مارکسیسم نوین بر این عقیده است که قدرت خلاقه انسان و نه قدرت سرمایه که به عنوان نیروی کار<sup>۳</sup> خوانده می شود، در ساختار جامعه نقش ایفا می نماید. از دیدگاه آنتونیو نگری<sup>۴</sup>، طبقه کارگر به صورت یک تمامیت اجتماعی - اقتصادی پویا و یا در قالب یک نیروی آنتاگونیستی در مقابل ماهیت مستقل خود عمل می نماید (نگری، ۱۹۸۸، ص ۲۰۹).

از دیدگاه دایر و ویت فورد<sup>۵</sup>، در مناسبات اقتصادی اخیر، کارگر در حقیقت به عنوان یک عامل فعال تولید، نوآوری، مهارت و همکاری به شمار می آید و عامل سرمایه به عوامل فوق وابسته است. در مناسبات اخیر، نیروی کار برای سرمایه به عنوان یک عامل مشکل ساز است که باید به طور دایم و بی وقفه تحت کنترل قرار بگیرد و طبقه ی کارگر به جای آنکه توسط سرمایه سازماندهی شوند، با آن به مقابله بر می خیزد (دایر، ویت فورد، ۱۹۹۹، ص ۶۵).

در این پارادایم، پدیده جهانی شدن را می توان نه بعنوان یک پدیده طبیعی مثل آب و هوا بلکه به عنوان یک استراتژی و دستاویز نیرومند که توسط سرمایه برای کنترل فعالانه روند افزایش سود<sup>۶</sup> مورد استفاده قرار می گیرد، به حساب آورد. بر اساس تئوری مارکسیسم نوین، پس از جنگ جهانی، تحولات نسبتاً قوی نیروی کار، توانایی سرمایه را برای به حداکثر رساندن سود تحت کنترل در آورده اند و تا اواخر دهه ۱۹۷۰، این مشکل ناشی از نیروی

---

<sup>۱</sup> - Capital

<sup>۲</sup> - globalization

<sup>۳</sup> - Labor

<sup>۴</sup> - Antonio Negri

<sup>۵</sup> - Dyer -With ford

<sup>۶</sup> - profit

کار برای گروه های دست راستی خصوصاً در بریتانیا و ایالت متحده بسیار آشکار شد. در ربع قرن گذشته یک پروژه جهانی شدن نئولیبرال مرتبط با سرمایه مطرح گردید. این پروژه برآن بود تا نیروی کار را به منظور ارتقای سودآوری برای طبقه ی سرمایه دار بکار گیرد. این هدف به وضوح در تعاریف گوناگون پدیده جهانی شدن مشاهده شده است.

مارکسیستهای نوین بر این عقیده هستند که بهترین عملکرد پدیده جهانی شدن در کل جهان، افزایش تعداد سهام برای سهامداران و فراهم آمدن قرار داد های چندین میلیون دلاری برای شرکتهای چند ملیتی بوده است ولی برای کارکنان و کارگران این شرکتها با کاهش حقوق مادی و اجتماعی و کاهش امنیت شغلی که مشخصه ی اصلی یک بازار نا کار آمد می باشند همراه بوده است.<sup>۱</sup>

پارادایم مارکسیسم نوین در تأکید بر اهمیت نیروی کار و رفتار طبقه ی کارگر در شکل دهی روابط اجتماعی تواناتر از مارکسیسم غربی میانه روی سنتی است و ظرفیت نیروی کار را برای تحت تأثیر قرار دادن پدیده ی جهانی شدن یکپارچه در سطح جهان به وضوح و در ابعاد نسبتاً واقعی نمایان می سازد. مارکسیسم بر این اعتقاد است که اسلحه قدرت مند سرمایه در پروژه جهانی شدن، تهدید آزادی محلی و یا واقعی سرمایه است که برای ایجاد تأثیرات مجتمع بر ضد دولتها و هم برای نیروهای کار مورد استفاده قرار می گیرد و روش های خصوصی سازی، کاهش هزینه های بخش دولتی و قانون گذاری بر ضد اتحادیه های صنعتی، از دیگر سیاستهای جهانی شدن هستند که سبب کاهش قدرت کارگران به روشهای بیشمار شده و این وقایع علت اصلی کاهش میزان عضویت کارکنان در اتحادیه ها به شمار می آیند (لیزینک، ۲۰۰۳).

با وجود این هم اکنون مشاهده می شود که سازمانهای کارگری به صورت خلاقانه ای در حال تطابق خود با چالش های ایجاد شده توسط سیاست جهانی شدن هستند.

مودی در رابطه با جهانی شدن می گوید:

همه نیروهائی که بصورت معمولی گفته می شده که در صدد توجیه ضعف نیروی کار هستند، (ساختار بندی مجدد صنعتی<sup>۲</sup>، وجود سیاستهای کاهش نیروی اقتصادی طبقه کارگر، تولید مکانیزه منجر به کاهش نیروی کار و البته مادر همه ی این توجیحات یعنی جهانی شدن) کارگران و سازمانهای آنها را مجبور نموده اند که در جستجوی راه های جدیدی برای عملکرد و سازماندهی باشند. (مودی، ۱۹۹۸، ص ۶۰) و در نشریه تخصصی ژورنال اروپایی روابط

<sup>۱</sup> - Leisink, Peter, <http://www.erudit.org/revue/ri/2003/v58/n3/007499ar.html>

<sup>۲</sup> - Industrial Reconstruction

صنعتی<sup>۱</sup> چنین نتیجه گیری شده است که تغییرات ایجاد شده در شرایط اقتصادی (از قبیل تشدید تحرک سرمایه در سطوح بین الملل، رقابت های تجاری<sup>۲</sup> و سازماندهی جدید نیروی کار) در حال سوق دادن اتحادیه ها به سوی مشارکت سیاسی گسترده<sup>۳</sup> هستند.

اتحادیه ها در همه جا نسبت به فشارهای سرمایه داری جهانی از طریق تعمیق کوشش ها و تقویت فعالان سیاسی خویش، در ابعادی فراتر از نقش های محدود و نسبی شان واکنش نشان می دهند.

در این گستره نظریه های مارکسیستی نوین می تواند برای درک مقابله ی طبقه ی کارگر با پدیده ی جهانی شدن مفید واقع شوند. از دیدگاه مارکسیستهای نوین اگر سرمایه سبب ایجاد یک جنگ طبقاتی تحت لوای جهانی شدن برای کنترل و خوار نمودن جنبه های مشکل آفرین طبقه کارگر شده است، پیشرفت های اخیر دستاوردهای نیروی کار را می توان به عنوان واکنش های موثری تلقی نمود که در آنها نیروی کار بار دیگر خود را در مقابل سرمایه تجهیز نموده و برای آن مشکل آفرین می شود. به عبارت دیگر همان پارادایمی که ما را به سوی تمرکز سرمایه متوجه می نماید، طبقه ی کارگر را قادر به ارایه ی ضد آن نیز ساخته است. نتایج واقعی سیاستهای سرمایه داری و در رابطه با آن استراتژی های جهانی شدن در کشورهای پیشرفته مطابق با نظریات مارکس بوده است. در ایالات متحده بیش از ۶۰ میلیون نفر فاقد مراقبت بهداشتی هستند، و پیش از ده میلیون کودک بدون سرپرست می باشند و روند آمار های کنونی حاکی از این است که علی رغم گسترش تکنولوژی و ساختار تولید، دستیابی جوامع به رفاه اجتماعی نسبت به دهه های قبل کاهش یافته است. در مطالب فوق اهم نظریه های مارکسیستی در رابطه با پی آمد های جهانی شدن به صورت مختصر مطرح شده اند.

این تحقیق بر آن است که به شناسایی دیدگاه های مارکس در رابطه با نتایج و پی آمد های جهانی شدن بپردازد و قابلیت اندیشه های مارکس را در بر قراری رفاه اجتماعی در جهان کنونی مورد سنجش قرار دهد. در این گستره قبل از هر چیز باید تاثیر جهانی شدن بر طبقه ی کارگر و ساختار سرمایه و نیروی کار مورد ارزیابی قرار گرفته و روشهایی که توسط آنها طبقه کارگر به عنوان یک عامل پویا در رابطه با پدیده ی جهانی شدن عمل می نماید، مورد کنکاش قرار بگیرد و در نهایت نتایج حاصله با دیدگاه های مارکس مورد مقایسه قرار بگیرد این امر مستلزم بررسی توسعه های ایجاد شده در گستره هایی فراتر از توسعه های ایجاد شده در سازمانهای داخلی و تأکیدهای نوین مطرح شده برای استخدام کارگران در مکانهای مختلف با بهره گیری از گروه های رادیکال در فعالیتهای

---

<sup>1</sup> - European Journal of Industrial Relation

<sup>2</sup> - Trade Competition

<sup>3</sup> - Expanded political participations

سیاسی طبقه ی کارگر است . همچنین لازم است که به این نکته توجه شود که چگونه طبقه ی کارگر در حال برخورد با پدیده ی جهانی شدن سرمایه است .

### سابقه ی تحقیق :

به رغم وجود تحقیقات مختلف درباره ی پدیده ی جهانی شدن و نظریه مارکسیسم به طور خاص تا کنون هیچ اثر مستقلی به زبان فارسی در ارتباط با تحقیق حاضر و با عنوان جهانی شدن از دیدگاه مارکسیسم و اسلام مشاهده نمی شود . در آثار موجود صرفاً درباره ی ارتباط کلی مارکسیسم و اسلام با جهانی شدن به صورت مباحث محدود و اجمالی بحث شده است اما هیچ یک از این آثار به تحلیل تئوریک ارتباط این نظریه ها با فرآیند جهانی شدن پرداخته است . از جمله نکات قابل توجه در این آثار تمرکز عمده ی آنها بر مباحث جامعه شناختی است و از این حیث مباحث اندیشه ای و نظری کمتر مورد توجه قرار گرفته اند . در واقع کمتر می توان اثری را یافت که بحث جهانی شدن را فراتر از مباحث جامعه شناسانه و در ابعاد نظری آن دنبال کند . این امر در موضوع خاص این تحقیق که بررسی فرآیند جهانی شدن از دیدگاه مارکسیسم ارتدوکس و اسلام می باشد ، در نظر گرفته شده است . در واقع این پژوهش در پی آن است که ارتباط بین افکار و اندیشه های مارکس را جدا از مارکسیستهای پس از او با پدیده جهانی شدن که در واقع آن را نه به صورت پروژه ای از پیش تعیین شده بلکه به عنوان فرآیندی اجتناب ناپذیر در روند حرکتی نظام سرمایه داری در نظر می گیرد ، نشان دهد و نیز به این نکته بپردازد که اگرچه اسلام با توجه به آموزه هایی چون مهدویت به نوعی جهان وطنی باور دارد اما تفاوت های اساسی میان اندیشه اسلامی و جهانی شدن به معنای امروزی آن وجود دارد ؛ در واقع بر اساس تعالیم اسلام سرانجام جامعه ی جهانی تحت لوای حکومت حضرت مهدی به جهان وطنی اسلامی منتهی خواهد شد که در این راستا مسائلی چون تنوع فرهنگی جهان اسلام و چالشهای پیش روی آن در عصر جهانی شدن با توجه به ویژگی ها و معیارهای اسلامی جهانی شدن در مفهوم جهان وطنی اسلامی قابل بررسی است که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است .

### سوال اصلی و سوالات فرعی تحقیق :

#### سوال اصلی :

جهانی شدن از دیدگاه مارکسیسم و اسلام چه جایگاهی دارد ؟

#### سوالات فرعی :

از دیدگاه مارکسیسم مشخصات اختصاصی جهانی شدن که با طبقه ی کارگر به چالش بر می خیزند کدامند ؟

از دیدگاه مارکسیسم طبقه کارگر چگونه به عنوان یک نیروی آنتاگونیستی در فرآیند جهانی شدن در رابطه با

ماهیت مستقل خویش واکنش نشان می دهد ؟

از دیدگاه مارکسیسم بحران در نظام سرمایه داری چگونه به جهانی شدن می انجامد؟

جهانی شدن بر اساس تعالیم اسلام چگونه امکان پذیر است؟

حکومت جهانی اسلام چه ویژگی هایی برای جهان شمولی و جهانی شدن دارد؟

چالش های پیش روی جهان اسلام در فرآیند جهانی شدن کدامند؟

### فرضیه :

جهانی شدن به مفهوم جدید آن با اندیشه های مارکس درباره ی جامعه ی جهانی و یکپارچه همسویی دارد اما با

دیدگاه اسلام درباره ی جهانی گرایی و جهان وطنی تفاوت بنیادی دارد .

### مفاهیم و متغیر های اصلی تحقیق :

بحران و جهانی شدن

مکان ، فضا و جهانی شدن

پرولتاریا و جهانی شدن

از خود بیگانگی و جهانی شدن

جهانی شدن و مهدویت

جهان وطنی اسلامی

حکومت جهانی اسلام

### متغیر اصلی :

اندیشه های مارکس و آموزه های اسلام

### متغیر وابسته :

انگاره ی جهانی شدن

### مفروض :

۱- اندیشه و مکتب مارکس ، اگرچه از جهانی شدن دور شد ولی مارکس بدنبال جهانی شدن واقعی بود .

۲- اسلام دربرگیرنده آموزه هایی است که نوعی جهان وطنی و جهانی گرایی را به دنبال دارد .

## اهداف:

از دیدگاه مارکسیسم مشخصات اختصاصی چالش آمیز طبقه کارگر و سرمایه دار و آنتاگونیسم شان در جامعه ی جهانی شده و یکپارچه به عالی ترین شکل خود بروز می کند .

از دیدگاه اسلام جهانی شدن الهی با بزرگترین رویداد تاریخ بشر و گسترده ترین انقلاب تاریخ یعنی انقلاب جهانی حضرت مهدی روی خواهد داد .

## روش تحقیق :

این تحقیق به صورت کتابخانه ای و با مراجعه به مقالات و کتب معتبر به اجرا در خواهد آمد .

## استفاده کنندگان مستقیم از این تحقیق :

این تحقیق برای دانشجویان و دانش پژوهان روابط بین الملل و علوم سیاسی و همچنین برای مسئولین و دست اندرکاران سیاست خارجی کشور مفید و قابل استفاده خواهد بود .

## سازماندهی تحقیق :

در فصل اول به بررسی پدیده ی جهانی شدن ، تعاریف و نظریات ، جهانی شدن سرمایه و موانع و مخالفت های موجود درباره ی آن می پردازیم ؛ در فصل دوم اصول و مبانی نظری مارکسیسم را مورد بررسی قرار می دهیم و در مورد مبانی فلسفی ، جامعه شناسی مارکسیسم ، فلسفه ی عمل و نظریه ی بیگانگی مارکس صحبت خواهیم کرد . در فصل سوم مفهوم جهانی شدن را بر اساس دیدگاه اسلام بیان کرده و در مورد جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام صحبت خواهیم کرد و سرانجام در فصل چهارم ارتباط میان افکار و اندیشه های مارکس با پدیده ی جهانی شدن را از طریق بررسی ارتباط تئوری بحران ، بعد مکانی و جغرافیایی ، پرولتاریا و بیگانگی کار با این پدیده مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد ؛ سپس با توجه به موارد مطرح شده در این پژوهش به نتیجه گیری نهایی در مورد ارتباط دیدگاه اسلام و مارکسیسم با پدیده جهانی شدن خواهیم پرداخت .



# فصل اول

## جهانی شدن

۱- جهانی شدن : تعاریف و نظریات

۲- جهانی شدن : موانع و مخالفتها

## گفتار اول

### جهانی شدن : تعاریف و نظریات

واژگان جهانی شدن و جهانی سازی ، تنها ظرف بیست ساله اخیر رواج یافته است لیکن دانشگاهیان از دهه ی هفتاد میلادی ، با این واژه‌ها درگیر شدند و اهمیت آن را به فراست دریافتند .

با این همه دست کم از آغاز شکل‌گیری سرمایه داری صنعتی ، گفتمان روشنفکری ، سرشار از اشاره به پدیده‌هایی بود که به طور چشمگیری مشابه پدیده‌های مورد توجه نظریه پردازان معاصر جهانی شدن است .<sup>۱</sup>

### تعریف جهانی شدن :

از ویژگی‌های سال‌های پایانی قرن بیستم ، کاربرد فراگیر واژه ی جهانی شدن است . از آنجا که زمان درازی از کاربرد این واژه نمی‌گذرد نمی‌توان به تعریف‌های دقیقی از آن دست یافت و فقدان تعریف واحد از ماهیت جهانی شدن موجب برداشتهای متفاوت از آن می‌شود . برای واژه ی (Globalization) معادل های فارسی گوناگونی انتخاب شده مثل جهانی شدن ، جهان گستری و جهانگیر کردن . از میان همه این معادل ها ، جهانی شدن رواج بیشتری پیدا کرده . در زمینه جهانی شدن تا به حال تعریف های زیادی ارائه شده که برای درک ساده تر مطلب بعضی از آنها را بیان می‌کنیم . آنتونی گیدنز جامعه شناس انگلیسی ، جهانی شدن را برای تبیین وابستگی متقابل و فزاینده جامعه جهانی به کار می‌برد . دانشمند دیگری به نام کندا کریسی دیان جهانی شدن را تجربه دنیا به مثابه یک مکان واحد و منفرد تعریف می‌کند . رولان رابرتسون جهانی شدن را احساس یکی شدن می‌داند اما مجتهدزاده این فرایند را جهانی شدن خواست ها و منافع ملی ملت ها تعریف می‌کند . در واقع ، هر اندیشمندی از دیدگاه رشته ی تخصصی خودش تعریفی از جهانی شدن ارائه می‌کند . اقتصاددان ها بیشتر بر وجه اقتصادی جهانی شدن تأکید می‌کنند ؛ متخصصان روابط بین الملل بیشتر بر مفهوم دولت و قدرت تأکید دارند و از این منظر به بررسی اثرات جهانی شدن می‌پردازند و جامعه شناسان بیشتر از منظر اجتماعی و فرهنگی به مقوله ی جهانی شدن می‌پردازند .<sup>۲</sup>

۱- باری، جان ، نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ص ۱۸ .

۲- واترز ، مالکوم . جهانی شدن ، ص ۱۹ .

در اینجا به چند مورد از قرائت‌های متفاوت در مورد جهانی شدن اشاره می‌کنیم .

۱- فن آوری جدید ارتباطات ، به انتقال داده‌ها و تخصص‌ها کمک می‌کند و این امر جهان را به سمت ائتلاف بیشتر سوق می‌دهد و در نتیجه به نوعی جهانی شدن منجر می‌شود .

۲- پیشرفت ابزار گوناگون فن آوری با انتقال تازه‌ترین دستاوردهای فرهنگی در همه ی کشورهای جهانی فضای جدید و مشابهی به وجود می‌آورد .

۳- تکنولوژی داده‌ها به جایی رسیده که دیگر سخن گفتن درباره مرزهای ملی و قومی به مفهوم رایج آن دشوار است ؛ این امر در عرصه ی سیاست جهانی ، زمینه را برای ایجاد نوعی جهانی شدن متفاوت با دو نوع دیگر فراهم می‌کند .<sup>۱</sup>

و یا از نظر محمدعلی چنارانی یک تعریف کلی و ساده از مفهوم جهانی شدن می‌تواند چنین باشد . که جهانی شدن نیرویی است که براساس یک قدرت افزون طلب (Hegemonic) از مرکزیت خود به اطراف گسترش می‌یابد و به عبارتی دیگر جهانی شدن به چند عامل بستگی دارد .

۱- میزان قدرت و مرکز و منبع استیلا طلبی

۲- زمینه‌های پذیرش جهانی شدن و نیز موانع و موج‌های مخالف آن

و در مجموع در مورد مفهوم جهانی شدن می‌توان گفت که جهانی شدن به مجموع فرآیندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که به موجب آن دولت‌های ملی به نحو فزاینده‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و همین وابستگی و ارتباط است که برای مفهوم حاکمیت ملی و دولت ملی مشکل ایجاد می‌کند . جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه داری جهانی است که سابقه آن به قرن پانزدهم باز می‌گردد ؛ اما امروزه جهانی شدن بیشتر بر ابعاد سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی این فرایند کلی اطلاق می‌گردد . به هر حال ، جهانی شدن همچنان با گسترش سرمایه‌داری در سطح جهانی مرتبط است و برخی نیز فرایند دموکراتیزاسیون را یکی از وجوه اصلی جهانی شدن می‌دانند .

---

۱- پلانتز، مارک و دیگران ، جهانی شدن، قدرت و دموکراسی ، ص ۳۸.

در نهایت، با ذکر چند ویژگی می توان به تعریفی از جهانی شدن دست یافت: جهانی شدن یعنی فشرده شدن زمان و مکان، افزایش پیوستگی و همبستگی اجتماعی در سطح جامعه جهانی، ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی، افزایش اهمیت و نقش شرکت های فراملی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی / جغرافیایی. این ها ویژگی هایی است که در واقع، برای جهانی شدن می شود ذکر کرد. پس به طور کلی می توان گفت که جهانی شدن یعنی پیوستگی و در هم تنیدگی فزاینده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهان.<sup>۱</sup>

## پیشینه ی جهانی شدن

### روایتهای موجود در مورد پیدایش جهانی شدن:

در مورد تاریخچه پیدایش جهانی شدن چند روایت وجود دارد:

۱-روایت دین پژوهان

۲-روایت جامعه شناسان و اقتصاد دان ها.

دین پژوهان یعنی کسانی که در عرصه ی دین تحقیق و تفحص می کنند، معتقدند که ادیان بزرگ مثل مسیحیت و اسلام از ابتدای شکل گیری شان سودای جهان شمولی داشتند یعنی هدف آنها این بود که همه مردم جهان را به دین خودشان دعوت کنند. یعنی مردم سراسر جهان را به سعادت مورد نظر دین خود دعوت می کنند و از جهنم توصیف شده در این دین ها بر حذر می دارند. مثلاً در اسلام مفهوم امت اسلامی را داریم که مرز نمی شناسد. یا مبلغان مسیحی در تلاش بودند (و هستند) که دین خود را در تمام نقاط جهان گسترش دهند. این هم نوعی جهانی شدن است.<sup>۲</sup>

روایت دوم که جامعه شناسانی مانند گیدنز و پاره ای از اندیشمندان چپ گرای نو را در بر می گیرد معتقدند که از قرن شانزدهم که نطفه های پیدایش سرمایه داری شکل گرفت این نظام اقتصادی، سودای جهانی شدن را داشت. این رویکرد بیشتر اقتصادی است. مارکس معتقد بود که منطق درونی (Inner Logic) و نیروی محرکه ی اصلی (Prime Mover) نظام سرمایه داری یعنی کسب سود و انباشت مداوم سرمایه برای سرمایه گذاری مجدد باعث می شود که این نظام اقتصادی جهانی شود. پس اگر بخواهم جمع بندی کنم باید بگویم که بر اساس دیدگاه چپ های نوین، نظام سرمایه داری از آغاز شکل گیری در پی جهانی شدن بوده و منطق درونی و نیروی محرکه این

۱- تارو، لستر، برندگان و بازندگان جهانی شدن، ص ۲۵.

۲- بهروز لک، غلامرضا، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، ص ۸۹.